

# نقش سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در امنیتی‌سازی حقوق بشر در عرصه بین‌المللی

جواد مصطفی‌لو<sup>۱</sup>

علی حسنخانی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۶/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۴

فصلنامه علمی آفاق امنیت / سال دوازدهم / شماره چهل و دوم - بهار ۱۳۹۸

## چکیده

امنیتی‌سازی حقوق بشر به معنای فرایند تبدیل یک موضوع حقوق بشری به یک مسئله امنیتی بین‌المللی است. در این فرایند واحدهایی چون «مرجع امنیت» یعنی آن چیزی است که موجودیتش در معرض تهدید انگاشته می‌شود، «بازیگران کارکردی» تسهیل‌کنندگان فرایند امنیتی‌سازی و «بازیگران امنیتی‌کننده» که توانایی و صلاحیت جلوه‌دادن نقض‌های حقوق بشری به‌عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی را دارند، به ایفای نقش می‌پردازند. نقش سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان بازیگر کارکردی به‌گونه‌ای است که از طریق ارتباط با ارکان ذی‌صلاح سازمان ملل به‌ویژه «شورای امنیت» بر تصمیم‌گیری‌های آنان اثر می‌گذارند. این تأثیرگذاری به‌صورت غیررسمی و در قالب طرح موضوعات، ارائه نظرات و گزارش‌ها در شورای امنیت انجام می‌شود و از این طریق نقش کارکردی سازمان‌های غیردولتی در تبدیل موضوعی خاص در شورای امنیت، به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تجلی می‌یابد.

## واژگان کلیدی

سازمان‌های غیردولتی؛ امنیتی‌سازی؛ حقوق بشر؛ مرجع امنیت؛ بازیگران کارکردی؛ بازیگران امنیتی‌کننده.

---

۱. استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۲. دکترای حقوق بین‌الملل و کارشناس حقوقی وزارت امور خارجه

jv.mostafaloo@gmail.com

7vad113@gmail.com

## مقدمه

ایجاد سازمان‌های غیردولتی به مفهوم امروزی به قرن نوزدهم باز می‌گردد و در این چهار دهه اخیر شتاب بی‌سابقه‌ای گرفته است. چند عامل در افزایش روزافزون این نهادها موثر بوده است: اول؛ سادگی روند ایجاد این سازمان‌ها. از آنجاکه سازمان‌های غیردولتی نیازی به انعقاد یک معاهده بین‌المللی ندارند بلکه این سازمان‌ها در چارچوب حقوق داخلی یک دولت به وجود می‌آیند و اعضای آنها اشخاص حقیقی و حقوقی‌اند، (نه دولت‌ها) لذا دایرکردن آنها آسان‌تر از سازمان‌های بین‌المللی است. دوم؛ داشتن ابزارهای مادی لازم. ابزارهای مادی همچون نیروی انسانی و مالی که در اختیار سازمان‌های غیردولتی است تأثیر بسزایی در مؤثرتر بودن وظایف این سازمان‌ها دارد. این سازمان‌ها به علت نداشتن ساختار بین‌الدولی از انعطاف بیشتری در انطباق خود با شرایط عینی برخوردار بوده و می‌توانند استفاده بهتری از ابزارهای خود نمایند و در نتیجه آسان‌تر می‌توانند به اهداف خود دست یابند. درعین حال، منابع مالی آنها هم از طریق مشارکت اشخاص به‌طور داوطلبانه و هم گاهی همکاری با سازمان‌های بین‌الدولی تأمین می‌شود (بیگزاده، ۱۳۷۳: ۳۰۰). سوم؛ افزایش روحیه مشارکت مردم در حل مشکلات و معضلات پیرامون خود فارغ و یا در کنار فعالیت دولت‌ها. این فعالیت‌ها در چند زمینه خاص محدود نشده، بلکه در اکثر حوزه‌ها می‌توان شاهد فعالیت این سازمان‌ها بود که به صورت مستقل و یا در کنار اقدامات دولت‌ها در زمینه‌های خاصی در چارچوب اساسنامه خود به فعالیت می‌پردازند.

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های فعالیت سازمان‌های غیردولتی که خصوصاً در چند دهه اخیر بدان بسیار توجه شده، قلمرو حقوق بشر است. هرچند حقوق بشر مقوله‌ای است که به‌ویژه از نظر مکتب حقوق طبیعی از ابتدا، با پیدایش بشریت، وجود داشته و در حقوق بین‌الملل تنها به نوعی اعلام شده است نه انشاء، با این وجود به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری اسناد مهمی چون «اعلامیه جهانی حقوق بشر»<sup>۱</sup> و «میثاقین بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»<sup>۲</sup> و «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»<sup>۳</sup> حقوق بشر جان تازه‌ای گرفت.

عمدتاً به دلیل نقص و ناکارآمدی در نظامهای حمایتی و نظارتی از حقوق بشر موجود و دخالت عناصر سیاسی و منفعت‌طلبی بازیگران این عرصه، سازمان‌های غیردولتی بر آن شدند نقش پررنگ‌تری را در حمایت از حقوق بشر ایفا نمایند. اگرچه نمی‌توان فعالیت‌های این سازمان‌های غیردولتی را کاملاً بی‌طرفانه پنداشت و به‌هرروی ممکن است دنباله‌رو

1. Universal Declaration of Human Rights
2. International Covenant on Civil and Political Rights.
3. International Covenant on Economic Cultural and Social Rights.



سیاست‌های خاصی در حوزه‌های مورد فعالیت خود باشند، اما در این پژوهش قصد آن را نداریم که نقش این سازمان‌ها را در نظارت و حمایت از حقوق بشر بررسی نماییم، بلکه به دنبال ارزیابی نقش آنها در فرایند امنیت‌سازی موضوعات حقوق بشر در عرصه جهانی هستیم.

امنیتی‌سازی، وضعیتی است که در آن موجودیت یک نهاد با خطر مواجه می‌شود؛ بدان صورت که به دلیل قابلیت تبدیل برخی از موضوعات در فرایند امنیت‌سازی به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی، این موجودیت با خطر مواجه می‌گردد. حال براین اساس، امنیت‌سازی، فرایندی است که در آن یک موضوع، مانند حقوق بشر، با طی فرایندی با مشارکت بازیگرانی که در این چرخه مؤثر هستند، تبدیل به یک تهدید علیه موجودیت یک نهاد می‌شود. از این رو می‌توان «امنیتی‌سازی حقوق بشر» را به معنای شناخت فرایند تبدیل یک موضوع حقوق بشری به یک مسئله امنیتی بین‌المللی عنوان کرد. در این پژوهش سعی داریم به این امر بپردازیم که نقش سازمان‌های غیردولتی در فرایند امنیت‌سازی چگونه است و در این مسیر از چه ابزارهایی استفاده می‌نمایند.

برای رسیدن به پاسخ این سؤال ابتدا به بیان مفهوم فرایند امنیت‌سازی و تبیین مؤلفه‌های آن و سپس کارکرد سازمان‌های غیردولتی در عرصه بین‌المللی خواهیم پرداخت و در بخش نهایی به بررسی چگونگی ارتباط و تعامل سازمان‌های غیردولتی با ارکان اصلی و فرعی سازمان ملل در چارچوب فرایند امنیت‌سازی می‌پردازیم.

### مبحث اول، فرایند امنیت‌سازی در عرصه بین‌المللی

بررسی فرایند و چگونگی امنیتی‌کردن پدیده‌ها موضوع مطالعات امنیتی‌سازی است. مطالعات امنیتی‌سازی با هدف دستیابی به فهم جامع از عوامل و متغیرهای دخیل در امنیتی‌سازی تدوین شده است. پرسش‌های اصلی در مطالعات امنیتی‌کردن آن است که چه کسی به بیان امنیت می‌پردازد؟ با اتکا به چه تهدیدی بیان امنیت صورت می‌گیرد؟ مستمسک بیان امنیت چیست؟ یا چه کسانی هستند؟ تحت چه شرایطی امنیت اظهار می‌شود و در نهایت چه نتایجی بر اظهار امنیت مترتب است؟ (دهقانی فیروزآبادی و همکار، ۱۳۹۱: ۷). مسلماً در پژوهش حاضر هدف آن نیست که کلیه پرسش‌های مطرح‌شده پاسخ داده شود، زیرا مجالی برای این امر وجود ندارد و دیگر آنکه نیاز به مطالعات تخصصی در این زمینه وجود دارد. در نوشتار حاضر با توجه به امنیت‌سازی حقوق بشر توسط سازمان‌های غیردولتی، ابتدا مفهوم امنیت‌سازی، واحدهای تحلیل امنیت‌سازی، سپس شرایط تحقق امنیتی‌سازی و در نهایت فرایند امنیت‌سازی بحث و مطرح خواهد شد.



## گفتار اول، تعریف امنیتی سازی

یکی از موضوعاتی که در علم روابط بین‌الملل منشأ تضارب آراء قرار گرفته، «امنیتی سازی»<sup>۱</sup> می‌باشد که غالباً در آراء صاحب‌نظران دو مکتب کپنهاگ و پاریس تبلور یافته است. بی‌آنکه در اینجا وارد جزئیات مربوط به این دو مکتب شویم، به‌نظر می‌رسد که مکتب کپنهاگ به‌دلیل ارائه نتایج ملموس‌تر، در این پژوهش کاربردی‌تر خواهد بود. از این رو سعی می‌شود با توجه به یافته‌های این مکتب امنیت‌سازی تعریف شود، هرچند به‌طور کامل از یافته‌های مکتب پاریس غافل نخواهیم بود.

مکتب کپنهاگ برای تشریح امنیتی‌سازی سعی دارد با تأکید بر نقش زبان، به بررسی چگونگی ظهور، تکامل و حل و فصل مسائل و موضوعات امنیتی بپردازد، به‌گونه‌ای که آن را به‌عنوان پدیده‌ای متکی بر ذهن افراد و فعالیت زبانی آنان تلقی می‌کند. از این حیث در این مکتب «امنیت» با «فقدان تهدید» رابطه این‌همانی دارد و امنیتی‌سازی معادل و در تناظر با تهدیدانگاری یک پدیده محسوب می‌شود که محصول درک اعضای جامعه اعم از داخلی و بین‌المللی است. این امر از یک سو نشان از آن دارد که تهدیدها در بستر جامعه و با اتکا به اذهان شکل می‌گیرد و هویتی مستقل از جامعه ندارند و از سوی دیگر تهدیدها لزوماً ناظر بر یک خطر واقعی نیستند، بلکه ایجاد باور مشترک و جمعی، مبنی بر تهدیدآمیز بودن پدیده، مقابله با آن و تأمین امنیت را توجیه‌پذیر می‌سازد (دهقانی فیروزآبادی و همکار، ۱۳۹۱: ۸). به بیان دیگر، همان‌گونه که ویور و بوزان مورد توجه قرار داده‌اند، نظریه امنیتی‌ساختن، امنیت را نوعی «اقدام‌گفتاری» قلمداد می‌کند؛ چراکه مکتب کپنهاگ زبان را «کارکردی» دانسته و از این رو معتقد است که با بیان واژه «امنیت» وضعیت پیشینی دچار دگرگونی می‌شود؛ یعنی، آنچه برای امنیت مهم و سرنوشت‌ساز قلمداد می‌شود، همان چیزی است که زبان می‌سازد (آذرشب و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۸). مکتب کپنهاگ، سه عامل را در امنیتی‌شدن مؤثر می‌پندارد؛ اول، انطباق پدیده با تهدید وجودی؛ دوم، ضرورت اقدام اضطراری در مورد برخورد با آن پدیده و در نهایت تأثیر بر روابط میان واحدها (آذرشب و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۹).

شاید ارائه تعریفی دقیق از امنیتی‌سازی که مورد توافق همگان باشد، مشکل به‌نظر آید، اما می‌توان «امنیت‌سازی» را به شرایطی که در آن یک موضوع باعث ایجاد حساسیت سایرین و توجه و دقت نظر در آن، که حتی ممکن است در این شرایط با واکنش آنها مواجه شود، اطلاق کرد. البته این واکنش ضرورتاً به معنای یک واکنش فیزیکی و مسلحانه نمی‌باشد، بلکه عمدتاً در چارچوب‌های حقوقی صورت می‌پذیرد، هرچند که ممکن است



عوامل سیاسی در آن نقش ایفا کنند. آنچه از مفهوم امنیتی‌سازی در این نوشتار مورد نظر قرار گرفته لزوماً از مفهوم بحران‌های بین‌المللی متمایز است و در واقع می‌توان آن را در مرحله پیش از بحران طبقه‌بندی نمود. براین اساس، «امنیتی‌سازی، به خارج‌ساختن یک مسئله از حوزه عادی و واردسازی آن به قلمرو سیاست اضطراری از طریق بازنمایی آن به منابع تهدید وجودی اشاره دارد.» (زارع‌زاده ابرقویی، ۱۳۹۶: ۹۳).

### گفتار دوم، واحدهای تحلیل امنیتی‌سازی

در قسمت قبل تلاش شد علی‌رغم پیچیدگی‌های مفهوم امنیتی‌سازی، تعریفی جامع از آن ارائه شود. در ادامه به تشریح واحدهای تحلیل امنیتی‌سازی خواهیم پرداخت، به‌گونه‌ای که عوامل و عناصر اصلی نقش‌آفرین در فرایند امنیتی‌سازی را بررسی می‌نماییم.

#### بند اول، مرجع امنیت<sup>۱</sup>

منظور از مرجع امنیت آن چیزی است که موجودیتش در معرض تهدید انگاشته می‌شود و ادعای مشروعی برای بقا دارد (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۷). براین اساس اگر مسئله‌ای بخواهد به صورت موفقیت‌آمیزی به مرجع امنیت تبدیل شود، باید دارای گستره مناسبی باشد. در سطح خرد از آن حیث که مراجع امنیت ناظر به افراد یا گروه‌های کوچکی هستند این مراجع به‌ندرت می‌توانند از مشروعیت امنیتی فراگیر برخوردار شوند. باید توجه داشت که هریک از بخش‌های یک جامعه از مرجع امنیت منحصر به فردی برخوردارند که متمایز از سایر ارگان‌ها و نهادهاست. برای مثال، در بخش سیاسی، حاکمیت و در بخش اجتماعی هویت می‌توانند مرجع امنیت محسوب شوند<sup>۲</sup> (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶، فصل ۶ و ۷). گاه مفاهیم انتزاعی نظیر اصل موازنه قوا، جامعه بین‌المللی، عدم گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای و میکروبی و حقوق بین‌الملل نیز می‌توانند به‌عنوان مرجع امنیت قلمداد شوند. باید توجه داشت که هریک از موارد ذکر شده با توجه به مورد تهدید واقع شدن از سوی عوامل امنیتی‌کننده به‌عنوان مرجع امنیت تلقی می‌شوند نه به‌خودی‌خود. به‌عنوان نمونه، اگر موجودیت حقوق بین‌الملل به هر دلیلی از سوی بازیگران امنیتی‌کننده و سایر عوامل تهدید گردد، در فرایند امنیتی‌سازی به‌عنوان مرجع امنیت تلقی می‌شود. توسل به مفهوم «بقاء» و «تهدید وجودی» در راستای تعریف مرجع امنیت بسیار کارگشا خواهند بود؛

#### 1. Referent object

۲. لازم به ذکر است که عنوان کردن حاکمیت به‌عنوان مرجع امنیت در بخش سیاسی به‌معنای انحصاری بودن مرجع امنیت در این حوزه نمی‌باشد، بلکه ممکن است تنها یکی از ارگان‌های حاکمیت مانند دستگاه قضایی یک کشور مورد تهدید قرار گیرد.

براین اساس، مفهوم تهدید وجودی ناظر بر تهدیداتی در نظر گرفته می‌شود که بقای موضوع مورد نظر را به مخاطره انداخته و آن را با خطر اضمحلال، تخریب و یا آسیب جدی روبه‌رو می‌سازد (عبدالله‌خانی، ۱۳۹۲: ۱۲۸). آنچه با تهدید وجودی، بقائش در معرض خطر قرار می‌گیرد، مرجع امنیت تلقی می‌شود.

### بند دوم، بازیگران امنیتی‌کننده<sup>۱</sup>

این بازیگران با اعلام در معرض تهدید بودن موجودیت مرجع امنیت به امنیتی‌شدن موضوعات دامن می‌زنند. رهبران سیاسی، دیوان‌سالارها، حکومت‌ها، دلالان سیاسی و گروه‌های فشار را می‌توان جزو این دسته به‌شمار آورد (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶، فصل ۶ و ۷).

### بند سوم، بازیگران کارکردی<sup>۲</sup>

اینان بازیگرانی هستند که بر عملکردهای یک بخش تأثیر دارند و این بازیگران تأثیر چشم‌گیری بر تصمیمات متخذه در حوزه امنیت می‌گذارند (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۷). این بازیگران کارکردی را می‌توان به‌عنوان عوامل مکمل در فرایند امنیتی‌سازی به‌شمار آورد. بدان صورت که زمانی که بازیگران امنیتی‌کننده دست به اقدام می‌زنند، یکسری از عوامل در این فرایند به‌عنوان عوامل فرعی این روند را تسهیل می‌سازند. برای مثال، زمانی که فرایند امنیتی‌سازی توسط یک سازمان بین‌المللی علیه یک کشور آغاز می‌شود، فعالیت‌های رسانه‌ای می‌تواند به‌عنوان بازیگر کارکردی مطرح شود.

### گفتار سوم: شرایط تحقق امنیتی‌سازی

همان‌گونه که بیان شد هرچند در امور امنیتی به تهدید موجود استناد می‌شود، ممکن است تهدیدی وجود نداشته باشد، بلکه یک موضوع به‌صورت تهدید جلوه‌گر می‌شود. بدین ترتیب یک موضوع آن هنگام امنیتی است که در اذهان عمومی به‌صورت چنان تهدید برجسته‌ای جلوه کند که اثرات اساسی سیاسی در اذهان عمومی داشته باشد (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۰). به‌بیان‌دیگر بروز هر موضوع به‌مثابه تهدید در اذهان افراد جامعه بسیار مهم‌تر از وجود عینی تهدید است.

براین اساس، می‌توان «تجلی تهدید» و «پذیرش عمومی» را به‌عنوان دو رکن اصلی منطق امنیتی کردن به‌حساب آورد، به‌گونه‌ای که هیچ‌یک از این دو به‌صورت مجزا تأثیرات

1. Securitizing actors  
2. Functional actors



موردانتظار از امنیتی‌کردن را محقق نمی‌سازند (دهقانی فیروزآبادی و همکار، ۱۳۹۱: ۱۶). درواقع، با جلوه‌دادن هر موضوع به‌عنوان تهدید وجودی، آن موضوع به آستانه امنیتی‌شدن رسیده است، اما در صورتی امنیتی می‌شود که مخاطبان آن را بپذیرند و اگر این پذیرش از سوی مخاطبان وجود نداشته باشد، تنها می‌توان گفت حرکتی برای امنیتی‌کردن انجام شده ولی موضوع امنیتی نشده است. بنابراین، لازم است میان اقدام برای امنیتی‌سازی موضوع و امنیتی‌سازی موفقیت‌آمیز تمایز قائل شویم. در این فرایند برای اقناع مخاطبان برای پذیرش تهدید موجود، از یکسری استدلالات استفاده می‌شود. قدرت استدلال و استفاده از فنون بیان، علاوه بر ایجاد قطعیت در موجودبودن تهدید در ذهن مخاطبان، بدون آنکه با واکنش جدی مخاطبان روبه‌رو شود، زمینه را برای انجام اقدامات مقابله‌ای جهت دفع تهدید فراهم می‌کند (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۱).

### گفتار چهارم، مؤلفه‌های امنیتی‌سازی در روابط بین‌الملل

با تبیین واحدهای تحلیل امنیتی‌سازی و همچنین شرایط تحقق آن در بخش‌های قبلی، در ادامه مطالب به بیان مؤلفه‌های امنیتی‌سازی در چارچوب دیدگاه‌های دو مکتب کپنهاگ و پاریس خواهیم پرداخت.

#### بند اول، امنیتی‌سازی در مکتب کپنهاگ

در فرایند امنیتی‌سازی دو بازیگر مهم یعنی «بازیگر امنیتی‌کننده»<sup>۱</sup> و «مخاطب» آن نقش حیاتی ایفا می‌کنند، به‌نحوی که موفقیت یا شکست این فرایند به ویژگی‌ها و شرایط این دو وابستگی تام دارد. برای نتیجه‌بخش‌بودن این فرایند از شرایطی یاد می‌شود که از آن باعنوان «شرایط تسهیل‌کننده»<sup>۲</sup> نام برده می‌شود که خود ناظر بر دو بعد درونی و بیرونی است. شرایط درونی مربوط به جنبه زبانی و شرایط بیرونی با جنبه اجتماعی تناظر دارد (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۲).

در بعد درونی، مهم‌ترین شرط، پیروی از قالب امنیتی یا دستور زبان امنیت است. پیروی از دستور زبان امنیت، متضمن درانداختن طرحی است که دربردارنده عناصری چون تهدید موجود، نقطه بی‌بازگشت و راه احتمالی برون‌شد است. به بیان دیگر، استدلال بازیگر امنیتی برای تجلی تهدید علاوه بر آنکه باید ترسیم‌کننده نقطه و موقعیتی باشد که در اذهان مخاطبان به‌مثابه نابودی حتمی تلقی می‌شود، باید ارائه‌دهنده راه چاره و خلاصی از این تهدید نیز باشد (دهقانی فیروزآبادی و همکار، ۱۳۹۱: ۱۶).

در بعد بیرونی، دو موضوع مطرح است. موضوع اول در مورد سرمایه اجتماعی بیان کننده یا بازیگری است که موضوعی را امنیتی می‌سازد. این بازیگر امنیتی کننده باید در موضع اقتدار باشد تا به واسطه آن پذیرش مخاطب تسهیل شود، زیرا اگر بازیگر امنیتی کننده در موضع مناسب بیان نباشد، سخن او نابجا تلقی شده و در مخاطب تأثیری نخواهد داشت. موضوع دوم مربوط به شرایطی است که به لحاظ پیشینه‌ای با یک تهدید همراه است. بر این اساس، بازیگر امنیتی کننده هنگامی می‌تواند مدعی وجود تهدید امنیتی باشد که اشیاء و شرایط خاصی وجود داشته باشند که از طریق آن بتواند تهدید را مجسم سازد؛ مانند احساسات دشمنی در گذشته و یا تسلیحات نظامی گسترده طرف مقابل (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۳). آنچه در این قسمت بیان شد مربوط به عقاید یکی از نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ بود. در ادامه در چارچوب مطالب قبلی موضوع را در چارچوب یکی دیگر از مکاتب یعنی مکتب پاریس پی می‌گیریم، هر چند که در ماهیت امر، تفاوت بنیادین با یکدیگر ندارند.

#### بند دوم، امنیتی‌سازی در مکتب پاریس

«بالزاک» به عنوان یکی از صاحب‌نظران مکتب پاریس معتقد است که گام نخست در امنیتی‌شدن موضوع، وجود مخاطبی است که با ادعای مطرح‌شده از سوی بازیگر امنیتی کننده موافقت می‌نماید. اهمیت مخاطب در منظر بالزاک تا حدی است که چنین مخاطبی را «مخاطب توانمندکننده»<sup>۲</sup> می‌نامند. مخاطب توانمندکننده باید اولاً رابطه علیّ مستقیم با موضوع و مسئله داشته باشد و ثانیاً قادر باشد بازیگر امنیتی کننده را به منظور اتخاذ تدابیری در جهت چیره‌شدن بر تهدید یاری نماید. علاوه بر مخاطب، بازیگر امنیتی کننده هم باید از شرایطی برخوردار باشد به گونه‌ای که بازیگر امنیتی کننده باید توانایی همذات‌پنداری خود با مخاطبان و نزدیک کردن خود به احساسات، نیازها و منافع آنان را داشته باشد. در این راستا، لازم است که زبان بازیگر امنیتی کننده با تجربه مخاطب هماهنگ و سازگار باشد (دهقانی فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۴-۲۵).

در چارچوب مکتب پاریس یکی دیگر از صاحب‌نظران این عرصه «پل‌رو»<sup>۳</sup> مخاطب‌محوری و اهمیت مخاطب را به نحو دیگری مورد توجه قرار می‌دهد. از نظر وی بازیگر امنیتی کننده نیازمند دو گونه حمایت است: حمایت‌های رسمی و حمایت‌های اخلاقی. منظور از حمایت‌های رسمی پشتیبانی نهادهای رسمی برای همراهی با بازیگر

1. Balzacq  
2. Empowering audience  
3. Paol Roe





امنیتی‌کننده و منظور از حمایت‌های اخلاقی پذیرش عمومی و اجتماعی است. وی ضمن مهم‌دانستن هماهنگی و سازگاری این دو نوع حمایت به‌گونه‌ای که منجر به هم‌افزایی یکدیگر شوند، خاطرنشان می‌سازد که حمایت‌های رسمی و اخلاقی به‌هیچ‌وجه به یکدیگر قابل تقلیل نمی‌باشند و به‌بیان‌دیگر، بازیگر امنیتی‌کننده به هر دوی آنها نیاز دارد (دهقانی فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۵).

درمجموع، باید گفت مکتب پاریس ملهم از مباحث جامعه‌شناسانه است و درمقایسه با مکتب کپنهاگ که بر وجه گفتاری امنیت تمرکز دارد، توجه بیشتر خود را بر عملگرایی امنیت معطوف می‌دارد (Waever, 2004:13). بااین‌حال هریک از این مکاتب باتوجه‌به نوع نگاه خود بخشی از واقعیت را بیان می‌دارند و نمی‌توان یکی از آنها را به‌عنوان نظر قطعی و صحیح پنداشت. به نظر می‌رسد، بهترین راه در این زمینه استفاده از نظرات و دستاوردهای هر دو مکتب است. درادامه مطالب سعی خواهیم کرد ضمن بیان کارکردهای سازمان‌های غیردولتی در عرصه جهانی، در بخش‌های بعد نقش آنها را در فرایند امنیتی‌سازی بررسی نماییم.

### مبحث دوم، کارکرد سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در عرصه جهانی

نقش سازمان‌های غیردولتی به‌صورت فزاینده‌ای در تعاملات بین‌المللی افزایش پیدا کرده و در نتیجه، جایگاه این نهاد حقوقی را در روابط بین‌الملل ارتقا بخشیده است، به‌گونه‌ای که امروزه شاهد بازیگردانی آن در عرصه حقوق بشر و تأثیرات روزافزون آن در امنیتی‌سازی موضوعات مربوط به این حوزه هستیم. این مهم، ضرورت بررسی کارکردهای سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی را دوچندان می‌نماید و براین‌اساس، در این قسمت تلاش خواهد شد ابتدا به بیان مفهوم این نهاد و سپس نوع فعالیت‌ها و نقشی که در عرصه حقوق ایفا می‌کند، بپردازیم. این نقش می‌تواند به‌صورت ناظر قواعد حقوقی و حتی مولود قواعد حقوقی جلوه‌گر باشد و درنهایت نیز به ابزارها و امکانات این نهادها برای نیل به امنیتی‌سازی می‌پردازیم. البته پرواضح است که ابزارها و امکانات کلیه سازمان‌های غیردولتی با یکدیگر یکسان نیست و باتوجه‌به سابقه، نوع فعالیت، امکانات مادی و حمایت‌های سیاسی دولت‌ها از آنها متفاوت خواهند بود.

#### گفتار اول، مفهوم سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی

درمورد سازمان‌های غیردولتی باتوجه‌به رویکردهای هریک از نویسندگان، تعاریف متنوعی ارائه شده است، اما هسته مرکزی این تعاریف درمورد آنها به‌طورکلی یکسان است. در این تعاریف سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان یک نهاد خصوصی، مستقل، غیرانتفاعی، به‌صورت

جمعی و فارغ از مداخلات دولت‌ها تأسیس شده و فعالیت می‌نمایند. این معیار، طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها را می‌تواند دربرگیرد؛ مانند مذهبی، علمی، پژوهشی، ورزشی و ... (Edward, 2010:170). با این وجود، باتوجه به پیش‌نویس قطعنامه‌های مؤسسه حقوق بین‌الملل و شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد و باتوجه به ماده یک کنوانسیون ۱۹۸۶ استراسبورگ می‌توان سه معیار عمده برای تعریف سازمان‌های غیردولتی ارائه داد.

#### بند اول، ایجاد سازمان‌های غیردولتی براساس حقوق داخلی یک دولت

سند مؤسس این سازمان‌ها دارای ویژگی‌های خصوصی است و علی‌الاصول به ابتکار افراد خصوصی ایجاد می‌شوند. این مسئله را شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد به صورت سلبی در سال ۱۹۵۰ اعلام نمود. براساس قطعنامه این شورا<sup>۱</sup> هر سازمانی که سند مؤسس آن ناشی از یک موافقتنامه بین‌الدولی نباشد، یک سازمان غیردولتی است. در اینکه افراد خصوصی در این سازمان‌ها عضویت دارند تردیدی وجود ندارد، ولی شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در قطعنامه خود<sup>۲</sup> در سال ۱۹۶۸ اعلام نمود سازمان‌هایی که اعضایشان منتخب مقامات دولتی هستند، مشروط بر اینکه لطمه‌ای به آزادی بیان و اندیشه آن سازمان وارد نکنند، در ردیف سازمان‌های غیردولتی‌اند (بیگزاده، ۱۳۷۳: ۳۰۲).

#### بند دوم. داشتن هدف عام‌المنفعه بین‌المللی بدون قصد سودجویی

عدم سودبری، داوطلبانه و عام‌المنفعه بودن فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی یکی از مهم‌ترین معیارها برای شناخت آنها و تفکیکشان از بعضی نهادهای دیگر همچون شرکت‌های فراملی است. سازمان‌های غیردولتی بدون چشم‌داشت به سود، فعالیت می‌نمایند و نمی‌توانند هدف خود را کسب سود و توزیع آن میان اعضا قرار دهند. در این رابطه می‌توان به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با اهداف بشردوستانه، شورای کلیساها با هدف مذهبی، فدراسیون سوسیالیست‌ها با هدف سیاسی، کنفدراسیون سندیکاها با هدف اقتصادی و کمیته بین‌المللی المپیک با هدف ورزشی اشاره کرد (بیگزاده، ۱۳۷۳: ۳۰۲).

#### بند سوم، انجام فعالیت در بیش از یک کشور

اتحادیه انجمن‌های بین‌المللی در سال ۱۹۸۳ اعلام نمود که سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی باید حداقل در سه کشور فعالیت نمایند و اعضای آن نیز حداقل از اتباع سه کشور باشند، ولی براساس ماده یک کنوانسیون ۱۹۸۶ استراسبورگ این تعداد به دو کشور



1. E/1661( Supplement No. 1)  
2. ECOSOC Resolution 1296 (XLIV)

تقلیل یافت و سازمان‌های غیردولتی باید حداقل در دو کشور فعالیت مؤثر داشته باشند. نگاهی به این معیارها این سؤال را مطرح می‌کند که آیا سازمان‌های غیردولتی ملی از قلمرو مطالعات حقوق بین‌الملل خارجند یا خیر؟ اگرچه باتوجه به معیارهای ارائه شده پاسخ به این سؤال مثبت است، ولی پاسخ دقیق‌تر ارتباط مستقیم با عملکرد سازمان‌های بین‌الدولی دارد. برای مثال، دبیرکل سازمان ملل در نظریه حقوقی خود در مورد مشارکت در کارهای کمیسیون اقتصادی برای آسیای غربی در سال ۱۹۷۸ اعلام کرد براساس مقررات شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان‌های غیردولتی ملی نیز می‌توان پس از مشورت با دولت عضو در صورتی که سازمان موردنظر یک تجربه خاص داشته و شورا بدان نیازمند باشد، از آنها استفاده کرد (بیگزاده، ۱۳۷۳: ۳۰۳).

لازم به ذکر است که هر چند معیارهای یادشده از مقبولیت عمده‌ای برخوردار است، اما انحصاری نیست. برای مثال، شورای اقتصادی و اجتماعی در سال‌های بعد (۱۹۹۶) معیارهای دیگری را برای همکاری سازمان ملل با سازمان‌های غیردولتی عنوان می‌کند مانند داشتن «وجه بین‌المللی»<sup>۱</sup>، «تصمیم‌گیری مستقل»<sup>۲</sup> و «همکاری‌های جغرافیایی»<sup>۳</sup>.

#### بند چهارم، سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری بین‌المللی

در مورد تعریف سازمان‌های غیردولتی و معیارهای تشکیل آنها در بخش قبل توضیحاتی داده شد، اما آنچه در این نوشتار مد نظر است سازمان‌های غیردولتی است که به‌طور خاص در عرصه حقوق بشر فعالیت می‌نمایند و به‌عبارت‌دیگر هدف، بررسی عملکرد سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری است. در واقع، تفاوت سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری بین‌المللی با سایر انواع این سازمان‌ها در اهداف کارکردی آنهاست. سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری هدف اولیه خود را ارتقا و حمایت از حقوق بشر شناسایی شده بین‌المللی قرار می‌دهند، همان قواعد بین‌المللی حقوق بشر که در اسناد بین‌المللی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقین بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، عرف‌های بین‌المللی، اصول کلی حقوق و سایر منابع حقوق بین‌الملل مورد تأکید قرار گرفته‌اند. البته ممکن است این قواعد حقوق بشری با سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل همپوشانی‌هایی داشته باشد مانند حوزه حقوق بشردوستانه، حقوق کیفری بین‌المللی که البته هدف این حوزه‌ها نیز حمایت از فرد بشری و ارتقای جایگاه آن است، اما در مسیری

1. International Standing
2. Independent Governance
3. Geographical Affiliation
4. U.N. Doc. E 1996/31

دیگر (Edward, 2010: 173). در ادامه به بیان ابزارهای در اختیار سازمان‌های غیردولتی در عرصه بین‌المللی می‌پردازیم.

### گفتار چهارم، ابزارهای سازمان‌های غیردولتی برای حمایت از حقوق بشر

در قسمت قبل به کارکرد سازمان‌های غیردولتی در عرصه جهانی پرداختیم، اکنون در ادامه به ابزارهایی که این سازمان‌ها برای ایفای نقش مؤثرتر در عرصه بین‌المللی از آن‌ها استفاده می‌کنند، می‌پردازیم.

#### بند اول، جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات

بسیاری از سازمان‌های غیردولتی از طریق اعضا و یا سازمان‌های وابسته خود در حوزه‌های ملی دست به جمع‌آوری اطلاعاتی در حیطه‌های مأموریتی خود می‌زنند. این گونه اطلاعات غالباً به صورت خبرنامه‌هایی در مواقع مقتضی در سطوح ملی یا بین‌المللی چاپ و منتشر می‌شوند و یا به صورت سالنامه‌هایی حاوی کلیه اطلاعات جمع‌آوری شده از وضعیت مورد بررسی در کشوری خاص و یا کشورهایی متفاوت ارائه می‌شوند. مخاطبان این گونه اطلاعات می‌توانند افکار عمومی و یا شاخه‌های مشخصی از جامعه؛ همچون دولت، وکلا، حقوقدانان، روزنامه‌نگاران و یا اعضای پلیس باشند. عملکرد سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری مانند سازمان عفو بین‌الملل در تهیه این گزارش‌ها به صورت ماهانه، سالانه یا گزارش‌های موردی از جمله مثال‌های بارز این نوع عملکرد سازمان‌های غیردولتی است.

یکی دیگر از کارکردهای مؤثر و مشخص سازمان‌های غیردولتی، حد واسط‌بودن آنها میان دولت‌ها و جوامع ملی، خصوصاً در عصر ارتباطات و انفجار اطلاعات فعلی است. کسب اطلاعات از دولت و انتقال آن به شاخه‌های پایین‌تر یعنی تک‌تک افراد جامعه می‌تواند از کارکردهای اصلی یک سازمان غیردولتی در توسعه فرهنگی و اجتماعی جامعه به‌شمار آید. ضمن آنکه تولید و انتشار اطلاعات از سوی خود سازمان هم می‌تواند از بهره‌های مهم این عملکرد باشد (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۱۸۶). براین اساس، یکی از ابزارهای اصلی که توسط سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در زمینه حمایت از حقوق بشر مورد استفاده قرار می‌گیرد، روش «نام‌بردن - شرم‌سازکردن»<sup>۱</sup> است. در این روش، سازمان‌های غیردولتی با کسب اطلاع از عملکرد منفی دولت‌ها در زمینه حقوق بشر و انتشار این اطلاعات در رسانه‌ها، باعث هدایت افکار عمومی ملی و بین‌المللی شده و زمینه‌های اعمال فشار بر



1. Naming and Shaming” or “Naming and Blaming.

دولت‌ها و در نتیجه تغییر رفتار آنها در ارتباط با حقوق بشر را فراهم می‌نمایند (عسکری و سعیدی، ۱۳۹۵: ۵۰).

### بند دوم، اقدامات حمایتی و وکالتی

برخی از سازمان‌های غیردولتی با استفاده از کارکنان و یا متخصصان مجرب خود در موضوعات مختلف، اقدامات حمایتی نسبت به فرد و یا موضوعی خاص به عمل می‌آورند. هدف از این‌گونه اعمال می‌تواند طیفی گسترده از اهداف کاملاً بشردوستانه را در برگیرد. در هر حال، استفاده از این توانایی می‌تواند سازمان‌های غیردولتی را به نهادهای حمایتی در یک جامعه تبدیل کند. تأسیس مرکز مشاوره «رها» جهت ارائه خدمات درمانی و مشاوره‌های روان‌شناسی و حقوقی به آسیب‌دیدگان اجتماعی توسط سازمان غیردولتی ایرانی دفاع از «قربانیان خشونت»<sup>۱</sup> که دارای مقام مشورتی خاص با شورای اقتصادی و اجتماعی است از جمله نمونه‌های این شیوه از اقدامات سازمان‌های غیردولتی است. برگزاری کارگاه‌های آموزشی مانند «روان‌درمانی قربانیان شکنجه» و یا همکاری در سومین همایش ملی «آسیب‌های اجتماعی زنان و خانواده» بخشی از اقدامات این مرکز است (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۱۸۷).

### بند سوم، ایجاد معیار از طریق ارائه پیشنهاد به دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی

تعداد زیادی از سازمان‌های غیردولتی تلاش می‌نمایند با ارائه راهکارهایی اجرایی و یا نظری در زمینه‌های موضوعی مختلف دست به معیارگذاری زنند. مشارکت چند سال قبل بسیاری از سازمان‌های غیردولتی ایرانی در «کارگاه بوشهر»<sup>۲</sup> که به منظور ساماندهی وضعیت سازمان‌های غیردولتی داخلی برگزار شده بود، مثالی از عملکرد جمعی این سازمان‌ها در تدوین معیارهای لازم برای تنظیم مراودات دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی است.

#### 1. Victims of Violence

۲. این همایش در فروردین سال ۱۳۹۳ با همکاری اداره کل محیط‌زیست و استاندارد بوشهر برگزار شد و هدف از این همایش ایجاد یک روند تصمیم‌سازی دموکراتیک از پایین به بالا و بدون دخالت هیچ نهاد دولتی بود تا ضمن فعال‌شدن شبکه‌های زیست‌محیطی مردم نهاد، ارزش‌هایی که می‌توانند برای جامعه و کشور مفید باشند، نهادینه شوند و در روند تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها مورد توجه قرار گیرند. از جمله معیارها و ابتکارات ارائه‌شده در این همایش عبارتند از: ۱. انتشار فرهنگ زیست‌محیطی بین مردم؛ ۲. فعالیت سمن‌ها در گروه‌های تخصصی؛ ۳. تشویق و حمایت فعالیت‌های تشکلی مردم‌محور؛ ۴. تسهیل ساختارسازی تشکلی‌های مردم‌محور و موارد بسیار دیگر. برای اطلاع از سایر دستاوردهای این همایش رجوع شود به: <http://www.nasimjonoub.com/fa/posts/100230> (لازم به ذکر است که به دلیل آن‌که مسائل زیست‌محیطی امروزه جزو نسل چهارم حقوق بشر قلمداد می‌شود در این بخش به‌عنوان نمونه‌ای ذکر شده است).



این امر در سطح بین‌المللی نیز رخ می‌دهد. کمک نمایندگان سازمان‌های غیردولتی در تهیه مفاد حقوق بشری پیش‌نویس «منشور ملل متحد»<sup>۱</sup> در سال ۱۹۴۵ و به‌نتیجه‌رساندن «کنوانسیون منع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان»<sup>۲</sup> در اثر تلاش مستمر سازمان‌های غیردولتی مرتبط با زنان، کمک شایان‌توجه سازمان‌های غیردولتی چون «عفو بین‌الملل»<sup>۳</sup>، «کمیسون بین‌المللی حقوق‌دانان»<sup>۴</sup> و «انجمن بین‌المللی قوانین کیفری»<sup>۵</sup> به تهیه پیش‌نویس «کنوانسیون منع شکنجه»<sup>۶</sup> و تلاش سازمان غیردولتی بین‌المللی دفاع برای کودکان در تهیه پیش‌نویس «کنوانسیون حقوق کودک»<sup>۷</sup> را می‌توان به‌عنوان مثال‌های بین‌المللی این مدعا ارائه کرد.

علاوه‌بر موارد یادشده، سازمان‌های غیردولتی مشارکت فعالی نیز در خلال کنفرانس جهانی دارند. حضور مؤثر این‌گونه سازمان‌ها به‌ویژه در کنفرانس جهانی حقوق بشر، کنفرانس جهانی زنان، کنفرانس جهانی زمین، کنفرانس منع تبعیض نژادی و دیگر کنفرانس‌های نظیر آن، چشمگیر بوده است. در تمامی این کنفرانس‌ها سازمان‌های غیردولتی در مباحث کنفرانس و امور مربوط به تهیه پیش‌نویس اسناد نهایی، نقش مؤثری داشته‌اند (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۱۸۸).

#### بند چهارم، جمع‌آوری و ارائه کمک‌های حقوقی و بشردوستانه

شاید بتوان یکی از خصایص هریک از جوامع مدنی را درگیربودن آن با برخی یا بسیاری از معضلات اجتماعی دانست. گرچه در بسیاری از موارد بخش رسمی و دولتی با اختصاص بودجه‌های ویژه و تأسیس سازمان‌هایی خاص سعی در غلبه بر این معضلات دارند اما غالباً گستردگی حیطه معضلات اجتماعی کارایی کامل و مطلوب این نهادهای دولتی را زیرسؤال می‌برد. براین‌اساس، نقش مشارکتی سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های محلی به‌خوبی می‌تواند مشکل‌گشا باشد. داوطلبانه‌بودن خدمات این‌گونه سازمان‌ها و لمس نزدیک‌تر معضلات سبب خواهد شد تا سازمان‌های غیردولتی به‌خوبی بتوانند به شناخت جنبه‌های آشکار و پنهان این معضلات پرداخته و با کارایی بیشتر به رفع آنها توفیق یابند. سازمان غیردولتی «آکسفام بین‌المللی»<sup>۸</sup> یکی از این‌گونه سازمان‌های غیردولتی است که رفع فقر و

1. United Nations Charter
2. Convention to Elimination of All Forms of Discrimination Against Women
3. International Amnesty
4. International Commission of Jurists
5. International Association of Penal Law
6. Convention Against Torture
7. Convention on the Rights of Children
8. Oxfam International



کمک به مردم محروم برای برخورداری از مواد غذایی و آب سالم را به‌عنوان یکی از اهداف اصلی خود برگزیده است (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۱۸۹).

بند پنجم، تأثیر سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری قواعد حقوق بشری مشارکت سازمان‌های غیردولتی در روند شکل‌گیری قواعد بین‌المللی از تنوع بسیاری برخوردار است، لذا می‌توان حالات مختلفی را در نظر گرفت. با این حال می‌توان این مشارکت را به دوبرخ عمده مشارکت مستقیم و غیرمستقیم تقسیم نمود.

### ۱. تأثیر مستقیم در شکل‌گیری قواعد حقوق بشری

مشارکت سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی زمانی مستقیم است که خود مبتکر و ارائه‌دهنده متون حقوقی باشند؛ یعنی خود به‌نوعی در نقش سازمان‌های بین‌المللی عمل می‌کنند مانند تصویب قطعنامه، تدوین قواعد عرفی و غیره. برای مثال، می‌توان به نقش «صلیب‌سرخ» در شکل‌گیری معاهدات چهارگانه ژنو و نقش کارشناسان سازمان‌های غیردولتی خصوصاً «سازمان عفو بین‌المللی» در تدوین و تصویب «کنوانسیون منع شکنجه»<sup>۱</sup> اشاره کرد (Martens, 2003: 7).

### ۲. تأثیر غیرمستقیم در شکل‌گیری قواعد حقوق بشری

تأثیر غیرمستقیم سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری قواعد حقوق بشری بین‌المللی را می‌توان در دو حالت بررسی کرد: گاه سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان مشاوره این تأثیر را دارند و گاه در قالب همکاری با سازمان‌های بین‌الدولی.

الف) مشورت با سازمان‌های غیردولتی علی‌الاصول از طریق انعقاد موافقتنامه‌های خاص میان آن سازمان‌ها و شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد انجام می‌شود. این موافقتنامه‌ها از برخی جهات شبیه موافقتنامه‌هایی هستند که میان مؤسسات تخصصی ملل متحد با سازمان ملل بسته می‌شوند. برای مثال، می‌توان به موافقتنامه مشورتی میان سازمان‌های غیردولتی و شورای اروپا و مؤسسات تخصصی چون «یونسکو»<sup>۲</sup> و «فائو»<sup>۳</sup> اشاره کرد. این مشورت‌ها غالباً به‌صورت اعزام ناظران سازمان‌های غیردولتی به سازمان‌های بین‌الدولی در چارچوب موافقتنامه‌های منعقد صورت می‌پذیرد.

ب) سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی منابع اطلاعاتی خوبی برای دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی به حساب می‌آیند و به‌همین دلیل گاه به‌عنوان همکار با سازمان‌های بین‌الدولی

1. Convention on Abolition of Torture  
2. UNESCO  
3. FAO

فعالیت می‌نمایند. برای مثال، مجمع عمومی با صدور قطعنامه ۵۹۲/۳۵ در سال ۱۹۸۰ با عنوان «اعلامیه دهه بین‌المللی آب آشامیدنی»<sup>۱</sup> از سازمان‌های غیردولتی خواسته است با آنها در موارد موردنظر، خصوصاً در زمینه‌های فنی و مالی و کمک به کشورهای درحال توسعه همکاری نمایند (بیگزاده، ۱۳۷۳: ۳۱۶).<sup>۲</sup>

**بند ششم، تأثیر سازمان‌های غیردولتی در اجرای قواعد حقوق بشری**  
سازمان‌های غیردولتی در کنار مشارکت در شکل‌گیری قواعد حقوقی در زمینه حقوق بشر، زمینه اجرای این قواعد را به دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم نیز فراهم می‌آورند.

### ۱. تأثیر مستقیم سازمان‌های غیردولتی در اجرای قواعد حقوق بشری؛ به‌عنوان مجری قواعد

اگرچه مجریان اصلی قواعد بین‌المللی دولت‌ها هستند، ولی در برخی موارد از جمله مخاصمات مسلحانه، توسعه، حفاظت از محیط‌زیست، بهداشت و تغذیه و... مشارکت سازمان‌های غیردولتی در اجرای قواعد حقوق بشری اجتناب‌ناپذیر است. مثال بارز این امر را می‌توان در قالب فعالیت‌های «کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ» مشاهده کرد. این اقدامات می‌تواند شامل «ملاقات و گفتگو با اسرای جنگی بدون حضور شاهد»، «کمک به افراد غیرنظامی در سرزمین‌های اشغالی»، «تلاش برای یافتن اشخاص ناپدیدشده»، «انتقال پیام‌های خانوادگی به اسرای جنگی»، «پیشنهاد مساعی جمیله برای تسهیل در ایجاد مناطق بهداشتی و امن» باشد. از دیگر سازمان‌های فعال در این عرصه می‌توان به فعالیت‌های سازمان «پزشکان بدون مرز» اشاره کرد که تلاش دارند در مناطق موردنیاز خدمات درمانی و بهداشتی را به‌صورت رایگان در اختیار نیازمندان قرار دهند.

### ۲. تأثیر غیرمستقیم سازمان‌های غیردولتی در اجرای قواعد بین‌المللی به‌عنوان ناظر در

#### اجرا

سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در این نقش به‌عنوان رقیب دولت‌ها عمل کرده و تجاوز دولت‌ها به قواعد بین‌المللی را افشا و افکار عمومی را علیه دولت خاطی بسیج می‌نمایند. همان‌گونه که در قسمت‌های قبل نیز بیان شد، سازمان عفو بین‌الملل در این حوزه نقش

1. <http://www.un.org/documents/ga/res/35/a35r18e.pdf>

۲. از دیگر ابزارهای سازمان‌های غیردولتی در این عرصه می‌توان به «ارائه پیشنهاد و نظر»، «فعالیت‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی» و «آموزش، پژوهش و انجام مطالعات» اشاره کرد.





فعالی دارد. این سازمان بارها ضمن محکومیت رژیم صهیونیستی به خاطر اشغال سرزمین فلسطین، رفتار آنها با مردم فلسطین، منع رفت آمد و سایر محدودیت‌ها را خصوصاً در نوار غزه، ناقض حقوق بشر اعلام کرده است.<sup>۱</sup>

گاهی نیز سازمان‌های غیردولتی براساس معیارها و سازوکارهای پیش‌بینی شده در آنها، گزارش‌های سالیانه از وضعیت و عملکردهای حقوق بشری دولت‌ها را ارائه می‌دهند که ممکن است برخی از دولت‌ها را به‌عنوان ناقضان حقوق بشر معرفی نمایند. این سازمان‌ها علاوه بر فشاری که خود برای اجرای مقررات بین‌المللی به دولت‌ها وارد می‌نمایند، با حضور در سازمان‌های بین‌المللی تلاش دارند تا دولت‌های متخلف را به رعایت موازین حقوق بشری وادارند (بیگزاده، ۱۳۷۳: ۳۲۰). نمونه بارز این امر را می‌توان در شورای حقوق بشر مشاهده کرد. سازمان‌های غیردولتی با شرکت در جلسات شورا به‌ویژه از طریق همکاری و اعمال نظر در فرایند بررسی دوره‌ای کلیه کشورها موسوم به UPR<sup>۲</sup> تأثیرگذاری خود را به‌خوبی نشان داده‌اند.

### مبحث سوم، سازمان‌های غیردولتی و امنیت‌سازی حقوق بشر

اولین واحد تحلیلی، مرجع امنیت است و طبق تعریف، مرجع امنیت آن چیزی است که موجودیتش در معرض تهدید انگاشته می‌شود. در اینجا ما شاهد دو سطح مرجع امنیت هستیم. مرجع فرعی امنیت که همان «حقوق بشر»<sup>۳</sup> است و دیگری مرجع اصلی که درواقع «صلح و امنیت بین‌المللی»<sup>۴</sup> است. باید توجه داشت که نقض حقوق بشر به‌خودی‌خود موضوعی را امنیتی نمی‌کند، موضوع وقتی امنیتی می‌شود که تبدیل به تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شود. حال باید در پیگیری مطالب با بررسی نقشی که سازمان‌های غیردولتی در نظام ملل متحد به‌عنوان بازیگر کارکردی و یا امنیتی‌کننده ایفا می‌نمایند، معین شود. به‌عبارت‌دیگر باید مشخص شود نحوه اثرگذاری سازمان‌های غیردولتی در تبدیل‌شدن یک موضوع به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی چگونه است.

1. <https://www.amnesty.org/en/countries/middle-east-and-north-africa/israel-and-occupied-palestinian-territories/report-israel-and-occupied-palestinian-territories/>

2. Universal Periodic Review

3. Human Rights

4. International Peace and Security



## گفتار اول، نحوه ارتباط سازمان‌های غیردولتی با نظام ملل متحد

سازمان‌های غیردولتی به طرق مختلف و حتی به صورت غیررسمی امکان ارتباط با ارکان سازمان ملل را دارند. در این بخش به شیوه‌های پذیرفته‌شده برای این ارتباط در نهادهایی چون شورای اقتصادی و اجتماعی، مجمع عمومی، شورای حقوق بشر و نهایتاً شورای امنیت می‌پردازیم و در پایان به ارزیابی تأثیر این ارتباط، در فرایند امنیتی‌سازی خواهیم پرداخت.

### بند اول، شورای اقتصادی و اجتماعی

سنگ‌بنای ارتباط میان سازمان‌های غیردولتی با نظام ملل متحد براساس ماده ۷۱ منشور گذاشته شده است. این ماده بیان می‌دارد که «شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند برای مشاوره با سازمان‌های غیردولتی که به امور در حیطه صلاحیت شورا اشتغال دارند، تدابیر لازم را اتخاذ نماید. این ترتیبات ممکن است درباره سازمان‌های بین‌المللی در مواردی که لازم باشد، درباره سازمان‌های ملی پس از مشورت با عضو ذی‌نفع ملل متحد اعمال گردد». برای به‌اجرا درآمدن این ماده شورای اقتصادی و اجتماعی قطعنامه‌ای<sup>۱</sup> باعنوان «ارتباط مشورتی میان سازمان ملل و سازمان‌های غیردولتی»<sup>۲</sup> صادر کرد که در آن ضمن ایجاد «کمیته سازمان‌های غیردولتی»<sup>۳</sup> نحوه فعالیت آن را هم تبیین نمود. این قطعنامه از ابهامات بسیاری چه در زمینه شیوه عملکرد و چه از نظر جایگاه و میزان مقبولیت آنها در ساختار ملل متحد برخوردار است که خود بیانگر دیدگاه‌های متفاوت دولت‌ها در برخورد با سازمان‌های غیردولتی است (Aston, 2001: 946). در این کمیته سازمان‌های غیردولتی باتوجه به دامنه و تخصص فعالیتشان و همچنین ارتباط کاریشان با اشتغالات شورای اقتصادی و اجتماعی به سه دسته تقسیم می‌شوند.<sup>۴</sup>

کمیته مذکور متشکل از ۱۹ عضو است که توسط شورا و برای یک دوره چهارساله و براساس توزیع عادلانه جغرافیایی انتخاب می‌شوند. اما فعالیت‌های این نهاد از ابتدا به‌دلیل انتخاب اعضای متهم به نقض گسترده حقوق بشر و سیاسی‌بازی مورد انتقاد بوده است.<sup>۵</sup>

1. 1996/31

2. Consultative relationship between UN and NGOs

3. Committee of NGOs

۴. نحوه و شرایط استفاده از این نظرات مشورتی در این قطعنامه تعیین شده است: U.N. Doc. E 1996/31. براین اساس، سازمان‌های غیردولتی به سه دسته «مقام مشورتی عام»، «مقام مشورتی خاص» و «در لیست» تقسیم می‌شوند.

۵. به‌عنوان مثال مقام مشورتی سازمان غیردولتی «صدای زنان» به دلیل انتقادات آن از دولت چین و اعمال شکنجه در این کشور با اعمال نفوذ دولت چین لغو شد. نک: <http://www.awomansvoice.org/n11-2005-6.html>



البته به دلیل این اشکالات، تلاش‌هایی برای ارتقای جایگاه و همکاری با سازمان‌های غیردولتی انجام شده است<sup>۱</sup> از جمله می‌توان به تلاش دبیرکل سابق «کوفی عنان»<sup>۲</sup> برای تشکیل کمیته‌ای برای ارتقای سطح همکاری‌ها با سازمان‌های غیردولتی اشاره کرد که گزارشی موسوم به «کاردوسو»<sup>۳</sup> که متضمن یکسری از توصیه‌ها برای ارتقای سطح همکاری‌هاست، اما همچنان فعالیت‌های کمیته سازمان‌های غیردولتی به صورت ناقص و با بدبینی تمام صورت می‌پذیرد و از دید بین‌المللی ارزش چندانی ندارد (Zettler, 2009: 8)

### بند دوم، شورای حقوق بشر

مورد مهم دیگر ارتباط میان سازمان‌های غیردولتی با نظام ملل متحد، نحوه ارتباط با شورای حقوق بشر است. این ارتباط از طریق قطعنامه مجمع عمومی<sup>۴</sup> این‌گونه بیان شده که «مشارکت و مشورت با ناظران که شامل نهادهای حقوق بشری ملی، همچون سازمان‌های غیردولتی، و غیره است، باید براساس مقرراتی چون قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ شورای اقتصادی و اجتماعی و رویه کمیسیون حقوق بشر (سابق) باشد که امکان فعالیت مؤثر آنان را فراهم آورده است». این امر موجبات مشارکت گسترده سازمان‌های غیردولتی را فراهم آورده، به‌گونه‌ای که در سال اول حدود ۲۸۴ سازمان غیردولتی در جلسات شورا شرکت کردند. برخلاف کمیته شورای اقتصادی و اجتماعی، این سازمان‌ها نقش مهمی در شورای حقوق بشر ایفا می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که با اعلام نقض‌های رخ داده، کشورهای ناقص را در این نهاد با چالش جدی روبه‌رو می‌سازند (Nader, 2007: 9). این مهم از طریق مشارکت در «روند بررسی دوره‌ای»<sup>۵</sup> انجام می‌شود؛ به این صورت که از طریق ارائه و مبادله اطلاعات، مکاتبه با قربانیان، اعلام نقض‌های صورت گرفته، درخواست اقدامات مقتضی و ارائه پیشنهادات، سعی در ارتقای حمایت از حقوق بشر دارند (Handbook, 2009: 9). علاقه شورای حقوق بشر به همکاری با سازمان‌های دولتی به حدی است که در قطعنامه‌های خود در مورد «نقش به‌زامداری در ارتقا و حمایت از حقوق بشر»<sup>۶</sup> و «حقوق بشر، دموکراسی و حکومت

۱. از جمله این اقدامات می‌توان به قطعنامه های 1296، 288(x) اشاره کرد.

2. Kofi Annan

3. "Cardoso Report" or "Report of Panel of Eminent Persons on UN- Civil Society Relations".

4. A/RES/60/251.

5. Periodic Review Process (UPR)

6. The Role of Good Governance in the Promotion and Protection of Human Rights, Res 19/20.

قانون<sup>۱</sup> در کنار دعوت از دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و دیگر نهادها، خواهان مشارکت سازمان‌های غیردولتی نیز شده است.

ظرفیت مهم دیگر در مورد نقش سازمان‌های غیردولتی، امکان طرح شکایت توسط سازمان‌های غیردولتی همراه قربانیان نقض‌های گسترده حقوق بشری، در شورای حقوق بشر است. از جمله شروط مقرر برای طرح این‌گونه شکایت در شورای حقوق بشر می‌توان به نداشتن انگیزه‌های سیاسی در طرح شکایت، تبیین دقیق حادثه و حقوق نقض‌شده، فارغ‌بودن شکایت از ادبیات توهین‌آمیز، عدم ارائه و طرح در نهاد حقوق بشری دیگر و تعدادی شرط دیگر اشاره کرد<sup>۲</sup> (Nader, 2007: 17).

### بند سوم، مجمع عمومی

ارتباط مستقیم سازمان‌های غیردولتی با مجمع عمومی به صورت محدودی انجام می‌شود. دلیل این امر را می‌توان تصریح ماده ۷۱ منشور و واگذاری ارتباط اصلی نظام ملل متحد با سازمان‌های غیردولتی به شورای اقتصادی و اجتماعی و در قالب کمیته سازمان‌های غیردولتی دانست. البته می‌توان قائل به ارتباط غیرمستقیم مجمع عمومی با سازمان‌های غیردولتی، از طریق شورای حقوق بشر بود که یکی از ارکان فرعی مجمع عمومی است. باین وجود، همکاری‌های محدود مستقیمی نیز در این زمینه وجود دارد. نمونه بارز این امر اعطای مقام ناظر به سازمان‌های غیردولتی چون «کمیته بین‌المللی صلیب سرخ»<sup>۴</sup> در سال ۱۹۹۰ و «فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ»<sup>۵</sup> و «انجمن‌های هلال احمر»<sup>۶</sup> در سال ۱۹۹۴ است (Eriksson, 2002: 1).

### بند چهارم، شورای امنیت

در منشور ملل متحد امکان ارتباط رسمی میان سازمان‌های غیردولتی و شورای امنیت پیش‌بینی نشده است، اما به مرور زمان و با افزایش نقش و تأثیرگذاری سازمان‌های غیردولتی امکان این ارتباط آن هم به صورت دو مسیر غیررسمی، فراهم شده است.

1. Human Rights, Democracy and the Rule of Law, Res 19/36.

۲. لازم به ذکر است که پیش‌بینی سازوکار شکایت به معنای امکان محاکمه و صدور آراء لازم‌الاجرا نیست، بلکه به معنای قرارگرفتن این شکایات در دستور کار شورا خصوصاً در بررسی‌های دوره‌ای و گروه‌های کاری است و نهایتاً ممکن است شورا پس از بررسی‌های خود به صدور قطعنامه اقدام نماید.

3. Res 60/251 & Res A/HRC/5/1.

4. International Committee of Red Cross

5. International Federation of Red Cross

6. Red Crescent Societies



۱. اولین مورد را می‌توان شکل‌گیری مسیری غیررسمی با عنوان «گروه کاری ازمان‌های غیردولتی در شورای امنیت»<sup>۱</sup> دانست که اقدام به برگزاری یکسری از جلسات در موضوعات عمدتاً حقوق بشری با اعضای شورای امنیت می‌نماید. جلسات مذکور عمدتاً به صورت هفتگی برگزار شده و در آن امکان همکاری سازمان‌های غیردولتی با مقامات عالی دخیل در شورای امنیت فراهم شده است. لازم به ذکر است که کلیه سازمان‌های غیردولتی امکان دسترسی و حضور در این جلسات را ندارند و تنها سازمان‌هایی که حیطة کاریشان در ارتباط با صلح و امنیت بین‌المللی است و در عرصه حقوق بشر نقش پررنگی را ایفا می‌کنند، در این جلسات امکان حضور دارند و در حال حاضر حدود سی سازمان غیردولتی در این جلسات شرکت دارند. از سازمان‌های غیردولتی مهم و تأثیرگذار در این جلسات می‌توان به «سازمان پزشکان بدون مرز»<sup>۲</sup> و «آکسفام»<sup>۳</sup> اشاره داشت (Martens, 2006: 8).

براساس «فرمول آریا»<sup>۴</sup> امکان ملاقات و گفتگو میان اعضای شورای امنیت و اعضای غیر عضو و سایر نهادها در مورد موضوعات مرتبط با صلح و امنیت بین‌المللی فراهم شده است.<sup>۵</sup> سازمان‌های غیردولتی نیز از این فرصت استفاده کرده و توانسته‌اند همکاری‌های گسترده‌ای با شورای امنیت در این حیطة داشته باشند. برای مثال، در سال ۲۰۰۴ توانسته‌اند از این طریق شش جلسه با اعضای شورای امنیت داشته باشند (Martens, 2006: 8).

#### 1. NGO Working Group on the Security Council

#### 2. Medecins Sans Frontieres

#### 3. Oxfam

#### 4. Arria Formula

۵. این فرمول برگرفته از نام نماینده ونزوئلا در شورای امنیت «دیتگو آریا» در سال ۱۹۹۳ است. در طول بحران یوگوسلاوی یک کشیش اهل بوسنی خود را به نیویورک مقر سازمان ملل رسانده و درخواست ملاقات با اعضای شورای امنیت را نمود اما از میان اعضا، تنها آقای آریا این درخواست را پذیرفت و تحت تأثیر اظهارات کشیش در مورد جنایات واقع قرار گرفت و درخواست شنیدن اظهارات کشیش توسط سایر اعضای شورای امنیت را نمود. در چند مورد دیگر نیز وی سایر اعضا را به صورت غیررسمی و در قالب صرف قهوه برای شنیدن اظهارات افراد دعوت نمود و این رویه در ادامه نیز اجرا و پذیرفته شد.

۶. ارتباط سازمان‌های غیردولتی با نظام ملل متحد تنها به ارکان یادشده محدود نیست، بلکه این همکاری‌ها با نهادهای تخصصی و کمیته‌های حقوق بشری نیز در جریان است. از جمله این کمیته‌ها می‌توان به کمیته «میثاق حقوق مدنی و سیاسی»، «کمیته کنوانسیون حقوق کودک»، «کمیته کنوانسیون حمایت از حقوق کارگران مهاجر» اشاره کرد. در این کمیته‌ها نقش سازمان‌های غیردولتی به صورت ارائه گزارش در مورد وضعیت حقوق بشر و نقض‌های صورت گرفته در چارچوب صلاحیت کمیته‌ها و حتی مشارکت و همکاری در جلسات کمیته‌هاست. البته برخی از کمیته‌ها دامنه همکاری آنها با سازمان‌های غیردولتی بسیار محدود است و از این دست می‌توان به کمیته «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض نژادی» اشاره کرد که در آن سازمان‌های غیردولتی تنها می‌توانند گزارش خود را نه به کمیته بلکه به اعضای کمیته ارائه دهند و در صورت صلاحیت عضو کمیته، گزارش در جلسات مطرح می‌شود. سازمان‌های غیردولتی در نهادهای تخصصی سازمان ملل نیز مشارکت گسترده‌ای دارند که از بارزترین آن می‌توان به «سازمان بین‌المللی کار» اشاره کرد که در آن

۲. در مورد رابطه میان شورای امنیت و سازمان‌های غیردولتی می‌توان به چند مورد عینی اشاره داشت.<sup>۱</sup> از مهم‌ترین قطعنامه‌هایی که با همکاری و در ارتباط با سازمان‌های غیردولتی به تصویب رسیده‌اند می‌توان به قطعنامه ۱۲۹۶ در سال ۲۰۰۰ در مورد «حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه»<sup>۲</sup> و قطعنامه ۱۳۲۵ در سال ۲۰۰۰ در مورد «نقش زنان در حفظ صلح»<sup>۳</sup> اشاره داشت.<sup>۴</sup> (Paul, 2004: 5).

حال که ارتباط سازمان‌های غیردولتی با ارکان ملل متحد بیان شد، باید نقش این سازمان‌ها را در فرایند امنیتی‌سازی معرفی نماییم. در این رابطه، مطالب را ابتدا از بازیگر امنیتی‌کننده آغاز می‌کنیم. همان‌طور که بیان شد بازیگر امنیتی‌کننده توانایی و صلاحیت تبدیل یک موضوع حقوق بشری را به‌عنوان تهدید یا نقض صلح و امنیت بین‌المللی دارد. پرواضح است در شرایط فعلی تنها بازیگری که براساس ماده ۲۴ منشور ملل متحد دارای چنین صلاحیتی می‌باشد، شورای امنیت است. پس باید برای تعیین نقش سازمان‌های غیردولتی در فرایند امنیتی‌سازی، اثرگذاری این سازمان‌های غیردولتی را بر شورای امنیت نشان دهیم.

**الف) ارتباط غیرمستقیم با شورای امنیت؛ به‌طور کلی عمده کانال‌هایی که سازمان‌های غیردولتی با نظام ملل متحد در ارتباطند از طریق شورای حقوق بشر و کمیته سازمان‌های غیردولتی شورای اقتصادی و اجتماعی است، اما این ارتباط نهایتاً منجر به تأثیرگذاری بر شورای امنیت نشده است. به‌بیان‌دیگر، ارتباط با شورای حقوق بشر نهایتاً به صدور قطعنامه**

نمایندگان کارگران و کارفرمایان کشورهای مختلف که خود جزو سازمان‌های غیردولتی محسوب می‌شوند از حق رأی برخوردارند. این مشارکت در قالب برنامه‌های سازمان ملل نیز متجلی است از جمله این برنامه‌ها می‌توان به برنامه «محیط‌زیست ملل متحد» و «آموزش کودکان ملل متحد» اشاره کرد.

۱. شروع این ارتباط را می‌توان از سال ۱۹۹۱ دانست. زمانی که سازمان عفو بین‌الملل پس از وقوع جنگ خلیج فارس اقدام به ارائه گزارشی مبسوط در زمینه وضعیت حقوق بشر در عراق به شورای امنیت نمود، اما نهایتاً منجر به صدور قطعنامه‌ای در شورای امنیت نشد. در سال ۱۹۹۴ هم‌زمان با سکوت شورای امنیت در قبال فجایع رواندا، نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و سازمان پزشکان بدون مرز توانستند با یکی از اعضای غیردائم (نماینده نیوزیلند) جلسه‌ای برگزار کرده و وی را در جریان وقایع قرار دهند، اما باز هم منجر به صدور قطعنامه‌ای در این زمینه نگردید.

۲. در این قطعنامه شورای امنیت بیان می‌دارد که «هدف قراردادن افراد غیرنظامی ... در صورتی که نقض گسترده حقوق بشر و حقوق بشردوستانه باشد، می‌تواند متضمن تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد شود».

۳. شورای امنیت در این ارتباط بیان می‌دارد که «حمایت از حقوق زنان در زمان مخاصمات مسلحانه نقش مؤثری در حفظ و ارتقای صلح و امنیت بین‌المللی دارد». در نتیجه مفهوم مخالف این عبارت مبین آن است که نقض حقوق زنان متضمن تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی است.

۴. قطعنامه ۱۲۰۹ در سال ۱۹۹۸ در مورد «جریان قاچاق اسلحه در آفریقا» بیان می‌دارد که «قاچاق سلاح در این منطقه به دلیل تأثیرات منفی بر توسعه و وضعیت بشری به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت به‌شمار می‌آید». البته محسوب کردن این موضوع در زمره مثال‌های در چارچوب حقوق بشر، دشوار به نظر می‌آید.



و یا گزارش‌هایی منجر می‌گردد که به مجمع عمومی ارائه می‌شود (به‌دلیل آنکه شورای حقوق بشر زیرمجموعه و رکن فرعی مجمع عمومی به‌شمار می‌آید) اما تاکنون موردی وجود نداشته که سازمان‌های غیردولتی در تهیه گزارش و یا قطعنامه‌ای در شورای حقوق بشر همکاری داشته باشند و پس از ارجاع به مجمع عمومی، در شورای امنیت مورد بحث قرار گیرد و نهایتاً به‌عنوان تهدید و یا نقض صلح و امنیت بین‌المللی تلقی گردد.<sup>۱</sup> در مورد کمیته سازمان‌های غیردولتی شورای اقتصادی و اجتماعی باید گفت که نقش این کمیته در زمینه حقوق بشر بسیار کم‌رنگ است و این کمیته بیشتر به مسائل اجتماعی و اقتصادی می‌پردازند تا نظارت بر اجرای حقوق بشر زیرا با شکل‌گیری شورای حقوق بشر بحث نظارت بر اجرای حقوق بشر به‌صورت متمرکز برعهده این نهاد گذاشته شده است.

**ب) ارتباط مستقیم با شورای امنیت؛ ارتباط سازمان‌های غیردولتی با شورای امنیت**  
عمدتاً به‌صورت غیررسمی وجود داشته، اما همواره منجر به نتیجه نشده است. البته عمده این ارتباط در حوزه حقوق بشردوستانه بوده و حقوق بشر در سال‌های اخیر جزو این دسته از همکاری‌ها قرار گرفته است. با این وجود با توجه به چند موردی که بیان شد می‌توان قائل به وجود ارتباط و تأثیرگذاری سازمان‌های غیردولتی بر شورای امنیت بود. البته قصد بررسی این امر را نداریم که میزان این تأثیرگذاری را تبیین نماییم، بلکه تنها وجود این نقش‌آفرینی، در پژوهش حاضر کافی است.

حال با توجه به توضیحات داده‌شده تنها می‌توان به همکاری و نقش‌آفرینی سازمان‌های غیردولتی با شورای امنیت آن هم از طریق ارتباط مستقیم قائل بود. از آنجاکه این سازمان‌های غیردولتی خود به تنهایی صلاحیت و توانایی تبدیل موضوعات حقوق بشری به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت را ندارند؛ اما می‌توانند از طریق ارتباط ذکرشده مسیر امنیتی‌سازی را هموار نمایند، پس می‌توان برای سازمان‌های غیردولتی در فرایند امنیتی‌سازی قائل به نقش کارکردی بود. بدان‌شکل که سازمان‌های غیردولتی می‌توانند خود به‌صورت مستقل، موضوعی را به اعضای شورای امنیت برای بررسی پیشنهاد دهند و یا اینکه نظرات خود را در قالب دادن اطلاعات و یا مشاوره در موضوعی خاص که شورا تحت بررسی دارد، ارائه دهند و از این طریق زمینه را برای هموارتر شدن مسیر امنیتی‌سازی آماده می‌کنند.

۱. البته با طرح مباحثی چون ارتقای جایگاه شورای حقوق بشر به‌عنوان رکن اصلی ملل متحد، در قطعنامه ۲۵۱/۶۰، در آینده می‌توان قائل به ارتباط مستقیم شورای حقوق بشر با شورای امنیت بود.

## نتیجه‌گیری

هدف ما در پژوهش حاضر آن بود که نقش سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی حقوق بشری را در فرایند امنیتی‌سازی تبیین نماییم. امنیتی‌سازی به معنای فرایند تبدیل یک موضوع حقوق بشری به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است. هرچند که ممکن است چنین تهدیدی وجود نداشته باشد، اما بازیگران این عرصه می‌توانند با ایفای نقش مؤثر خود، وجود چنین تهدیدی را به افکار عمومی بقبولانند.

امنیتی‌سازی دارای واحدهایی است. اولین مورد، «مرجع امنیت» است؛ یعنی آن چیزی که موجودیتش در معرض تهدید انگاشته می‌شود که در اینجا ما شاهد دو سطح از امنیت هستیم. سطح فرعی که همان «حقوق بشر» و سطح اصلی که «صلح و امنیت بین‌المللی» است. لازم به ذکر است که نقض حقوق بشر به‌خودی‌خود باعث امنیتی‌شدن موضوعی نمی‌شود، بلکه اگر تبدیل به تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی شود، موضوع امنیتی خواهد شد. واحد دیگر بازیگر «کارکردی» است که خود به‌تنهایی نمی‌تواند موضوعی را امنیتی کند، اما می‌تواند شرایط و زمینه را برای این امر مهیا و هموار سازد. درنهایت باید به بازیگر «امنیتی‌کننده» که صلاحیت و توانایی تبدیل موضوعات حقوق بشری به‌عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی را دارد، اشاره کرد که تنها بازیگر امنیتی‌کننده این عرصه براساس منشور ملل متحد شورای امنیت است.

در این فرایند آنچه که اهمیت دارد، چگونگی ارتباط سازمان‌های غیردولتی با ارکان ملل متحد است و این که آیا این ارتباط می‌تواند به اعلام تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی، در شورای امنیت منجر گردد یا خیر؟ چند مسیر اصلی ارتباطی میان سازمان‌های غیردولتی و ارکان ملل متحد وجود دارد؛ از جمله آنها می‌توان به ارتباط سازمان‌های غیردولتی با شورای حقوق بشر و شورای اقتصادی و اجتماعی اشاره کرد. ارتباط با شورای حقوق بشر کشورها انجام می‌شود و در شورای اقتصادی و اجتماعی، این همکاری از طریق همکاری در قالب کمیته سازمان‌های غیردولتی وجود دارد. علی‌رغم این ارتباط، تاکنون موردی وجود نداشته که در آن، از طریق ارتباط سازمان‌های غیردولتی با این نهادها (شورای حقوق بشر و شورای اقتصادی و اجتماعی) موضوعی به شورای امنیت ارجاع شده باشد و نهایتاً به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی اعلام گردد. بنابراین، از طریق ارتباط با دو نهاد یادشده نمی‌توان به نقش کارکردی سازمان‌های غیردولتی در فرایند امنیتی‌سازی قائل بود.





با این وجود، از طریق ارتباط غیررسمی اما مستقیم سازمان‌های غیردولتی با شورای امنیت، «گروه کاری سازمان‌های غیردولتی در شورای امنیت» و «فرمول آریا»، موضوعاتی به‌عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد شده‌اند که در این زمینه می‌توان به قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت در مورد «نقش زنان در حفظ صلح» اشاره کرد. پس در چارچوب این دو مسیر غیررسمی، نقش کارکردی سازمان‌های غیردولتی تجلی می‌یابد و می‌توان سازمان‌های غیردولتی را به‌عنوان بازیگر کارکردی، در فرایند امنیتی‌سازی حقوق بشر معرفی نمود.

## منابع

- آذرشب، محمدتقی؛ نجم‌آبادی، مرتضی و بخشی‌تلیایی، رامین (۱۳۹۶)، جایگاه امنیت در مکتب کپنهاگ: چارچوبی برای تحلیل، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهارم.
- الوانی، سیدمهدی و همکاران (۱۳۸۵)، سازمان‌های غیردولتی و چالش‌های پاسخگویی، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۴۹.
- انوری، ابراهیم (۱۳۸۴)، سازمان‌های غیردولتی و حقوق بشر در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- بوزان و دیگران (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیتی، ترجمه علی‌رضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان و همکاران (۱۳۸۸)، مناطق و قدرت‌ها، ترجمه رحمان قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۷۳)، تأثیر سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال و قرشی، یوسف (۱۳۹۱)، نظریه و روش در مطالعات امنیتی‌کردن، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴، شماره مسلسل ۵۸.
- رفیعی، فرشاد و همکاران (۱۳۸۷)، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در گسترش امنیت انسانی، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی امنیت انسانی در غرب آسیا.
- زارع‌زاده ابرقویی، رسول (۱۳۹۶)، نگاه کپنهاگی به امنیتی‌سازی، مبانی و چالش‌ها، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۳۶.

- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۱)، حقوق بین الملل معاهدات، ویراست سوم تهران: فرهنگ نشر نو.

- عبداله‌خانی، علی (۱۳۹۲)، نظریه‌های امنیت، تهران: ابرار معاصر تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۲.  
- عسکری، پوریا و سعیدی، نیلوفر (۱۳۹۵)، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و نظارت بر اجرای حقوق بشر باتأکید بر عفو بین‌الملل، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵۳.  
- کر، پائولین (۱۳۸۷)، امنیت انسانی، ترجم سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره سوم، شماره مسلسل ۴۱.

- گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۷۷)، سازمان‌های غیردولتی و نقش آنان در توسعه و ارتقای حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران.  
- گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷)، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و افزایش توجه بین‌المللی نسبت به وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری دانشگاه تهران.

- Fred Vultee, (2011), "Securitization as a Media Frame: What Happens When the Media Speak Security" in Thierry Balzacq, *Securitization Theory*, New York: Routledge.

- George E. Edwards, (2010), "Assessing the Effectiveness of Human Rights Non-Governmental Organization From the Birth of the United Nations to the 21st Century: Ten Attributes of Highly Successful Human Rights NGOs", *Michigan State Journal of International Law*, Vol. 18:2.

- Mathias Albert & Barry Buzan, (2011), "Securitization, Sectors and Functional Differentiation", *Security Dialogue* 42(4-5).

- Micheal C. Williams, (2003), "Words, Images, Enemies: Securitization and International Politics", *International Studies Quarterly* 47, No. 4.

- Ole Waever, (1995), "Securitization and Desecuritization", in Lipschutz, Ronnie D, *On Security*, New York: Columbia University Press.

- Philippe Ryfman, (2007), "Non-governmental Organizations: an Indispensable Player of Humanitarian Aid", *International Review of Red Cross*, Vol 89, No 865.

- Thierry Balzacq, (2009), "The Policy Tools of Securitization: Information Exchange, EU Foreign and Interior Policies", *Jornale of Common Market Studies*, 46, No. 1.

- Kerstin Martens, (2003), "Examining the Status of NGOs in International Law", *Indiana Journal of Global Legal Studies*, Vol 10, Issue 2.



–Elizabeth Ferris, (2005), “Faith-based and Secular Humanitarian Organization”, International Review of the Red Cross, Vol 87, No 858.

–Khulan Davaadorj, (2011), “Voices of NGOs on Education”, UN Headquarters DESA/NGO.

–Kerstin Martens, (2006), “NGOs in UN System: Evaluating Theoretical Approach”, Journal of International Development, No. 18.

–Jurij Daniel Aston, (2001),” The UN Committee on NGOs: Guarding the Entrance to a Politically Divided House”, EJIL, Vol. 12, No. 5.

–Angela Zettler, (2009), “ NGO Participation at The UN: Barriers and Solutions”, Department of Economic and Social Affairs NGO Branch.

–Lucia Nader, (2007), “ The Role of NGOs in The UN Human Rights Council”, International Journal of Human Rights, No. 7.

–Maja Kiriliva Eriksson, (2002),“ Non-Governmental Organization”, Norwegian Center for Human Rights.

